

توجه به شاخص‌هایی که در حوزه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برشمردم، این است که امروز هیچ دولتی (دولت به معنای قوه مجریه) نمی‌تواند در یک سال وضعیت آرمانی مطلوبی را که خود یا مردم در نظر دارند، خلق کند و عصای جادویی ندارند. اما از جهت اینکه چگونه می‌توان به سمت وضعیت مطلوب پیش رفت، پاسخ من این است که اولین و جدی‌ترین مسأله‌ای که نظام سیاسی باید پیگیری کند، رفع تحریم‌های ظالمانه علیه ایران است؛ این اولویت اول است. من معتقدم این اتفاقی است که باید در سال ۱۴۰۴ بیفتد. ما امروز در وضعیتی هستیم که در شاخص‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در وضعیت آسیب‌پذیری قرار داریم. درست است که در حوزه فناوری‌ها با توانمندی‌های دفاعی دستاوردهایی داشته‌ایم، یا با همه ضعف‌ها و کاستی‌ها استقلال فرهنگی و سیاسی خود را به نسیب حفظ کرده‌ایم، اما آن چیزی که به همه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی سرریز می‌شود و عملاً مقبولیت و کارآمدی را دچار چالش خواهد کرد، تحریم‌های ظالمانه است. من تأکید می‌کنم، تحریم‌ها «ظالمانه» است، این تأکید من اصلاً یک موضع یا شعار سیاسی نیست بلکه واقعیت معرفتی نظام بین‌الملل است. ما پیش از هر چیز باید برای این مسأله چاره‌ای بیندیشیم.

بنابراین اولویت شما در وضع مطلوبی که باید باشد، رفع تحریم‌هاست؟ اولین اولویت این است که به سمت رفع تحریم‌های ظالمانه برویم. این امر را دشوار اما شدنی می‌دانم و جز از عهده سیاستمداران ملی‌اندیش و شجاع که بخاطر کشور از سرزنش‌ها ترسند، بر نمی‌آید.

در حوزه داخلی چه مطلوبی را در نظر دارید؟

در حوزه داخلی باید به سمتی برویم که تا جایی که ممکن است ساختار سیاسی در سال ۱۴۰۴ بتواند در داخل همبستگی سیاسی و همبستگی اجتماعی ایجاد کند. به این معنی که دولت باید بتواند نهادهای متکثر خود را سازمان دهد و بوروکراسی را فعال‌تر کند تا بتواند از دل آن امید اجتماعی خلق کند. از جهت دیگر معتقدم باید تقویت بنیه نظامی را در دستورکار خود قرار دهیم، آن هم به صورت جدی. در این زمینه معتقدم ایران باید به سمت ساخت سلاح هسته‌ای برود، چرا که اگر این اتفاق نیفتد، حتی این فرض هم محتمل است که تمامیت ارضی ایران به خطر بیفتد. این مسأله صرفاً به ترامپ یا وضعیت فعلی ارتباطی ندارد، بلکه اقتضای حضور ما در منطقه خاورمیانه

حکم می‌کند که چنین توانمندی دفاعی داشته باشیم. بالاخره ما هم‌مرز پاکستان و هم‌مرز هند هستیم، با روسیه مرز مرز داریم و از طریق ترکیه و آذربایجان هم‌مرز ناتو و اروپا هستیم. در کنار همه اینها، به نظر من مسأله اصلی در زمان کوتاه مدت، رفع تحریم‌های شدید و ظالمانه بین‌المللی است که در صورت تحقق این امر، می‌تواند امید اجتماعی ایجاد کند.

در حوزه اجتماعی چطور می‌بینید؟ پدیدارشناسی افکار عمومی در ایران به ما می‌گوید یکی از چشم‌اسفندیارهای ما در یک یا دو دهه گذشته تقلیل امید اجتماعی بوده است. در ایران امید به آینده کاهش یافته که یکی از نمونه‌های آن مهاجرت نخبگان و پیری جمعیت و کاهش جمعیت است که همگی بیانگر نگرانی از آینده است.

بنابراین در سال ۱۴۰۴ باید در کنار رفع تحریم‌ها به راه‌هایی فکر کرد که چطور می‌توان امید را در ایران افزایش داد. نکته دیگر اینکه دولت در سال ۱۴۰۴ هم در عرصه داخلی و هم در حوزه ایران فرهنگی باید به فکر گسترش زبان فارسی باشد. زبان فارسی سیمان و رکن هویت ملی ایران و اساس همبستگی ملی ایران است. زبان فارسی شبکه معنوی است که ایرانیان و حوزه ایران فرهنگی، ایران تاریخی و ایران سیاسی را به یکدیگر گره می‌زند. تقویت و گسترش زبان فارسی باید در دستورکار قرار بگیرد. این را از این نظر مطرح می‌کنم که متأسفانه گاه دیده می‌شود دولت به این مسأله، هم در سطح گفتار و هم در سطح عمل کم‌توجه است.

در حوزه اقتصادی، شما چه مطلوبی را برای سال ۱۴۰۴ پیش روی ایران و البته



امروز هیچ دولتی (دولت به معنای قوه مجریه) نمی‌تواند در یک سال وضعیت آرمانی مطلوبی را که خود یا مردم در نظر دارند، خلق کند. به یک دلیل ساده: دولت‌ها عصای جادویی ندارند. اما از جهت اینکه چگونه می‌توان به سمت وضعیت مطلوب پیش رفت، پاسخ من این است که اولین و جدی‌ترین مسأله‌ای که نظام سیاسی باید پیگیری کند، رفع تحریم‌های ظالمانه علیه ایران است؛ این اولویت اول است

دولت قرار می‌دهید؟

ببینید! یک نکته مهم که کمتر به آن توجه می‌شود این است که اساساً هدف انقلاب مشروطه «آزادی» نبود. اینکه هدف انقلاب مشروطه آزادی بود، تفسیری است که لیبرال‌ها از این جنبش ارائه و به آن اضافه کردند. اصلاً انقلاب مشروطه «انقلاب نان» بود. شورش‌های نان به انقلاب مشروطه ختم شد. آنچه دغدغه اصلی انقلاب و انقلابیون مشروطه انضباط مالی بود. در شرایط حاضر مردم ایران فکر می‌کنند دولت در ایران دارای انضباط مالی نیست. در سال ۱۴۰۴ نیز، دولت باید در کنار همه کارهای ضروری که باید انجام دهد باید مسأله مهم انضباط مالی را نیز به طور جدی دنبال کند. این انضباط مالی باید تقویت شود تا مردم احساس کنند نظام مالی در ایران شفاف نیست. به دلیل همین شفاف نبودن حوزه مالی دولت است که در ایران فرار مالیاتی یک هنر و یک اتفاق خوب محسوب می‌شود. اساساً نظام بانکی به جای اینکه کمک حال نظام اقتصادی باشد، به دلیل مجموع فرآیندها به تضعیف اعتماد اجتماعی، تضعیف امید اجتماعی و کاهش مقبولیت سیاسی دامن می‌زند.

که همه اینها را می‌توان در «مالیه عمومی دولت» خلاصه کرد.

من گاهی صحبت‌های وزیر اقتصاد، رئیس سازمان برنامه و بودجه یا رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس را رصد می‌کنم تا ببینم چه می‌گویند. آنچه من از این صحبت‌ها در می‌یابم این است که این مسئولان می‌گویند در این کشور هیچ کس نمی‌داند واقعاً ما چقدر نفت می‌فروشیم! هیچ کس در کشور نمی‌داند ما چقدر درآمد نفتی داریم! هیچ کس در کشور نمی‌داند ما چقدر درآمد ارزی داریم! یا اینکه هیچ کس نمی‌داند چقدر از درآمدهای ارزی ما وارد بازار مالی ما می‌شود! وقتی شرایط مالیه عمومی دولت به این وضع است، نباید از مردم انتظار داشته باشیم به فرار مالیاتی خود افتخار نکنند و اقتصاد مافیایی نشود. بنابراین یکی از کارهای مهمی که دولت باید انجام دهد، شفاف‌سازی و انضباط بخشی به مالیه عمومی است. ببینید! قانون اساسی گفته است که همه درآمدهای دولت باید به خزانه واریز شود، اما امروز اینطور نیست. بنابراین اصلاح مالیه عمومی و ایجاد انضباط مالی یکی از مهم‌ترین دستاوردهایی است که باید در سال آینده دنبال کرد. در این صورت است که می‌توان به مردم امید و اعتماد داد و در اینصورت است که شاخصه‌های کارآمدی و مشروعیت سیاسی صعودی خواهد شد. 